

بعد از قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل و اعمال یک رشته تحریمها علیه ایران، دولت آمریکا و سپس اتحادیه اروپا تحریمهای جدیدی اعلام کرده اند. این تحریمها به بهانه شناخته شده "منع ایران از دستیابی به سلاح اتمی" اعمال شده اند. مدعی اند ایران اتمی خطری برای بشریت و امنیت جهان است. در ادامه همین سیاست به شیوه های مختلف و از زبان مقامات دولت آمریکا تکرار میکنند که "گردن کشی ایران و تن دادن به شرایط آنها" ممکن است باعث بکار بردن گزینه نظامی علیه این کشور شود. دور جنبیدی از تحریمهای اقتصادی و فضای جنگی دال بر احتمال حمله نظامی، بر فراز جامعه و مردم ایران سایه انداخته است.

در بنیای واقع، تحریم علیه ایران نه ربطی به امنیت جهان دارد و نه ربطی به مبارزه با جمهوری اسلامی و تروریسم آن. نه تحریم اقتصادی سلاحی علیه دولت جمهوری اسلامی است و نه شورای امنیت مامور حفظ امنیت جهان. شورای امنیت ارگان بی اراده ای است که مستقیماً مامور پیش بردن سیاستهای دول غربی است و ابزار اعمال قدری نظامی آنها و در راس آن دولت آمریکا و انگلستان بر جهان

تشکل و اتحاد طبقه کارگر، مورد حمله است



تلخیصی از مصاحبه رادیو پرتو با خالد حاج محمدی

رادیو پرتو: جنگ تمام عیار علیه کارگران متشکل، این عنوان اطلاعیه ای از حزب حکمتیست است که به تازگی در سی تیرماه منتشر شده است، موضوع آن موج اخیر حملات گسترده جمهوری اسلامی به فعالین و تشکلهای کارگری است، سوال اول من این بود که موضوعیت این اطلاعیه از چه قرار است؟

خالد حاج محمدی: هدف هشدار است به کل طبقه کارگر در مورد تعرض وسیعی که علیه اتحاد و تشکل این طبقه، علیه هر جمع و محفلی از کارگران که چتری

در دفاع از زندگی و هستی این شان ساخته اند است. تعرض وسیعی است و لازم است در این سطح به آن نگاه کرد و خودآگاهی این طبقه را بالا برد. لازم است کل جامعه را متوجه کرد که ابعاد این تعرض و هدف آن چیست و انعکاس و تأثیرات آن روی کل جامعه چگونه است. چرا از تشکل شروع کرده اند، چرا نوک حمله رژیم متوجه هفت تبه و کارگران سننیکای شرکت واحد است و عواقب و تأثیرات آن چه است. لازم است هر نیروی سیاسی جدی، هر کارگر آگاه، هر آدم آزادی خواه و برابری طلب و هر

جوانی که توقعات انسانی از زندگی را دارد، متوجه ابعاد تشکلهای کارگری از طرف این تعرض و تأثیرات و رژیم برای چیست؟

عواقب آن بر فضای سیاسی جامعه باشد. در غیر این صورت بستن سدی در برابر تعرضات رژیم غیرممکن است.

رادیو پرتو: اجازه بدهید کمی و افکار و فرهنگ حاکم را روشن تر بگوئیم، موج سرکوب در جامعه ایران الان بیداد میکند، دانشجویان، مردم معترض، زنان، دستگیریها و سرکوب است. هر جا زندان و شکنجه و اعدام و اعتراضی صورت میگیرد، رفتار وحشیانه، رسانه ها را اشباع کرده است. در مورد تشکل کارگری، رژیم جنون ویژه ای را دارد به خرج میدهد که شما هم به آن اشاره کردید. کارگران را اخراج میکند و نان آنها را میبرد و از خانه و مسکن شان بیرون می اندازد و همه اینها سواالی را

جهان است. بدون هیچ اغراقی میلیونها نسخه از عکس و شرح و حال دقیق وی دست بدست گنخته است. سکنیه تا بیروز مجرم و امروز یک قربانی بحساب میاید. سکنیه تا بیروز یک اسیر بی پناه ارتجاع کور و امروز سمبل رهایی علیه ارتجاع و سرکوب محسوب میگردند. او باید از چنگال دولت و زندان و سرنوشت رقم خورده سرکوب و توحش اسلامی ایران رهایی یابد.



مصطفی رشیدی

قربانی و قهرمانی دیگر بس است!

تا دو ماه پیشتر سکنیه محمدی آشنایی یک زن گمنام نگون بختی بود که در بند زندان تبریز در انتظار سرنوشت شوم ساعتها و روزها را یکی پس از دیگری برمیشمارد. کورسوئی از امید به هرگونه تغییر در این سرنوشت پیدا نبود. قرار بود با سنگسار نقطه پایان بر زندگی وی گذاشته شود. امروز سکنیه محمدی یک نام و یک چهره کاملاً شناخته شده در سراسر

اعتراضی و حمایتی در سراسر جهان از شمار خارج شده است. هزاران انسان آزاده در ایران و جهان، زن و مرد، با انواع ابتکارات بحکم وجدان و مسئولیت انسانی خود همبستگی پرشوری را خلق نموده اند: جمهوری اسلامی را محکوم کنید! سکنیه آزاد باید گردد!

در مقابل شان طبقه ای سنگر بسته است. البته اگر از شعار پرت بخشی از چپ ناسیونالیست بگذریم، در بنیای واقعی حقیقتاً از حضور طبقه کارگر خبری نیست. این گفته ظاهراً عکس ادعای مارکس است که جنگ طبقه کارگر و سرمایه دار تعطیل بردار نیست. مارکس انصافاً درست میگوید، اما کسی که ادعای مارکس را در مقابل تصویر امروز من از این نبرد طبقه به عنوان پاسخ طرح کند، در بهترین حالت در مورد وضع نابسامان این نبرد ناروشن است.



محمد فتاحی

شرط اتحاد کارگری در این دوره

پراکندگی در اعتراضات کارگری، امروزه به وسعت صدها هزار مرکز کار است. هیچ آمار و ارقامی قادر به انعکاس این موج گسترده نیست. دریایی از موج اما بی شباقت به موج هر دریایی؛

امواجی کاملاً جدا از هم، منقطع، بی نظم و نتیجتاً کم دامنه، سطحی و کم عمق. به همین دلیل ساده سرمایه داران و دولت شان طرح هایشان را در کمال آرامش جلو میبرند، هر جا نیاز دارند اخراج میکنند، دستمزد کار انجام شده را در کمال آرامش خاطر به جیب میزنند. انگار نه انگار که

لیلا محمد چهره محبوب و کمونیست برجسته درگذشت

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

علیه تحریم اقتصادی و ...

علیه مردم است و بیش از همیشه دست جمهوری اسلامی را برای تحمیل سیاستهای ضد انسانی خود بر مردم باز میگذارد. موقعیت جمهوری اسلامی را در قبال مردم بهبود می بخشد و اختناق حاکم را افزایش میدهد. عواقب آن مستقیماً بر زندگی و معیشت طبقه کارگر و مردم محروم و بر سفره خالی آنها سرشکن میشود. فقر و فلاکت موجود بر اقتدار پایین جامعه را تشدید میکند. به علاوه به بهانه تحریم و احتمال جنگ "استکبار" و "بیگانه" بر طبل احساسات عقب مانده مذهبی و ناسیونالیستی میکوبد، بخشی از جامعه را پشت سر خود بسیج میکند و اختناق و فشار و سرکوب را تشدید میکند. فضای جنگی و خطر حمله اسرائیل و حفظ گزینه نظامی از جانب آمریکا تا همین امروز امکان نظامی کردن فضای جامعه را به جانیان جمهوری اسلامی داده و دست آنها را در کشتار و دستگیری و زندان باز گذاشته است. تحریم و فضای جنگی ابزاری در دست دولت برای عقب راندن اعتراض طبقه کارگر و زن و جوان و مردم محروم است و موقعیت آنها را در مقابل ارتجاع حاکم بشدت تضعیف خواهد کرد. تحریم اقتصادی به هر صورتی اعمال شود، هزینه آن از جانب جمهوری اسلامی بر نوح مردم ایران گذاشته خواهد شد. هر تیری که از دولتهای خارجی به رژیم اسلامی شلیک شود، در خدمت بقا جمهوری اسلامی و علیه مردم ایران است.

اعمال تحریم به بهانه اتمی، ادامه همان سیاست است که دول غربی و بوش و بلر به نام مبارزه علیه سلاحهای شیمیایی دولت صدام حسین، با تحریم اقتصادی آن کشور، میلیونها کودک را از دسترسی به غذا و درمان و آب آشامیدنی محروم کردند و جامعه عراق را به بتلاقی از جنگ و مرگ و نیستی کشاندند. بتلاقی که به اسم آوردن "دمکراسی" و "آزادی" برای مردم عراق ساخته شد و در نتیجه آن بیش از هر چیز بلدهای مسلح قومی و ناسیونالیستی و مذهبی و دستجات تروریست را پروراند و به جان مردم آن مملکت انداخت.

هدف اصلی دول غربی از اعمال تحریم و ایجاد فضای نظامی علیه ایران، نه مسئله اتمی و نه دفاع از مردم ایران و حقوق بشر و غیره است، بلکه فلاکتی است که بر آنها اعمال میشود. بخش اعظم دولتهای تا نندان مسلح از اسرائیل تا پاکستان و ... در سایه دوستی و قبول دولت آمریکا به عنوان ژاندارم دنیا سلاح اتمی دارند و ظاهراً هم "امنیت" دنیا را به خطر نینداخته اند. مردم ایران زیر فشار تحریم و فضای نظامی قرار میگیرند تا دولت ایران به شرایط مورد توافق غرب گردن نهد.

تحریم علیه ایران، سلاح کشتار جمعی

قربانی و قهرمانی ...

سکینه را در افکار عمومی جهان بشناسانند. این تنها يك نمونه از جنگ تن به تن مردم ایران علیه جمهوری اسلامی است.

ابعاد و ظرفیتهای سرکوب و جنایت رژیم حاکم بر ایران باور نکردنی است. این رژیم و حاکمیتش به هیولایی افسانه ای هزار چهره شباهت دارد که از انبوه لاشه های حاصل کارکرد زندان و شکنجه و قوانین وحشیانه سیری ناپذیر است؛ هر بار پوست تازه تر میبازد، و هر روز حریص تر میگردد. داستان این رژیم برای توصیف تمام و کمال از يك جهنم ترسناک الهی کیفیت میکند. اما مقاومت و اعتراض در ایران افسانه بسا بزرگتری را خلق کرده است. زندانها و شکنجه گاهها و شکنجه گران جمهوری اسلامی محل اعتراضی سرسخت بوده اند، انسانهایی که برای آزادی و رهایی هر تک قربانی خود، با چنگ و دندان رزم تازه تری را آغاز کرده اند. اینها درگیر رزمی بوده اند که با هر زندانی و هر قربانی، چهره جدیدی را در مقابل افکار عمومی جهان تبدیل ساخته اند که سرگشتگی و شرح حال اسارتش رسوایی تازه تری برای رژیم را بنیال داشته است. تعداد کسانی که در سرنوشتی مشابه سکینه محمدی در دفتر نهادهای حقوق بشر موضوع انواع کمپینها، انواع اعتراضات، و انواع اقدامات حمایتی هستند را از فرط تعدد براحتی نمیتوان برشمرد.

جامعه ایران مملو از مقاومت و قهرمانی است. قهرمانانی که از پا ننشسته و قربانیان صفوف خود را يك به يك از سیاهچالها، از زیر چوبه دار، از چند قدمی چاله سنگسار، از زیر شلاق و شکنجه بیرون میکشند. هر لحظه و هر گام این رزم برای دست اندرکاران و برای همراهانش، تاکید تازه تری بر این حکم است که باید یکبار برای همیشه از شر کل جمهوری اسلامی خلاص شد. سرکوب و زندان و شکنجه دیگر بس است. گفتاهای ارتجاعی مذهبی و سنگسار بس است. فقر و محنت و تبعیض دیگر بس است. قربانی و قهرمانی دیگر بس است. پرونده کل این حکومت را باید فوراً و یکبار برای همیشه با آزادی های کامل و بی قید و شرط سیاسی، با برابری کامل زن و مرد، با کوتاه کردن دست مذهب از همه شئون اجتماعی، با تامین يك زندگی انسانی و مدرن و شایسته بست و بگور سپرد.

شرط اتحاد کارگری ...

امروز در مقابل بیکاری و اخراج روز افزون به جای دست بردن به سیاست شایسته خود، به ابزار بخش دیگر همین سرمایه داران پناه میبرد. گویا علت بیکاری ها و بسته شدن پشت سر هم مراکز کار در به اصطلاح سیاست غلط واردات بی رویه نهفته است. یا گویا مافیای اقتصادی دجال به جان اقتصاد انداخته است. با این حساب امروز در تمام کشورهای جهان کارگر بیکار و رانده شده به قعر فقر و فحشا و ویرانی در هر گوشه ای باید به "سیاست غلط" سرمایه داران و دولت شان و نه خود سیستم سرمایه داری لعنت بفرستد. وقتی همه جا علت بحران و بیکاری و خانه خرابی کارگر در اتحاد همین "سیاست غلط" نهفته است، پاسخ سراسر است کارگری در همه جا چیزی بیش از شرکت فعال در تعیین سیاست و دادن مشاورت دلسوزانه به طبقه سرمایه دار و دولت شان برای اتخاذ یک "سیاست صحیح" نیست. اگر پاسخ همین است، دیگر تحزب کمونیستی چه ضرورتی دارد؟ سازمان سراسری کارگران کمونیست چرا لازم است؟ و اصلاً کمونیسم چرا جواب است؟

شیوع شعار و پاسخ بخش هایی از خود سرمایه داران در میان بخش قبل توجیهی از فعالین کارگری در غیبت نقد سوسیالیستی به علل این بیکاری ها و فقر روز افزون، در صفوف کارگران سوسیالیست و کمونیست است. بخشی هم به دلیل دل بستگی های از روز اول بخش هایی از همین طیف رفقا به موج و حرکت ارتجاع سبز بود و هست، که امروز در مقابل تعرض طبقاتی دشمن دست شان را بسته است. رفقای که در مرحله استقبال از "جنبش انقلابی توده ها" در سال گذشته، پشت سر هم لیست مطالبات شان را به اهتزاز در می آوردند، و به جای سازماندهی یک جنبش با افق سیاسی متفاوت دل به دریای سبز باخته بوندند، امروز از همه دست بسته ترند. این را جای دیگری باید بیشتر باز کنم.

در یک کلام اعتراض امروز کارگری در ایران به یک شرط میتواند به سبلی تبدیل شود که نه فقط وضع امروز را بهبود می بخشد که سرمایه داری را در ایران این دوره برای همیشه جارو کند. این شرط یک مرزبندی روشن کارگران کمونیست در شیوه اعتراض و سیاست های اتخاذ شده تا به امروز است. به این مسئله مهم باز خواهیم گشت. بدون این کار آسمان به مراتب از این هم تاریک تر خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری ایران-

حکمتیست

۷ مرداد ۱۳۸۹

۲۹ ژوئیه ۲۰۱۰

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

لیلا محمد چهره محبوب و کمونیست برجسته درگذشت



روز ۲۴ ژوئیه لیلا محمد سیمای شناخته شده و محبوب جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی و کمونیسم در عراق بعد از منتهای دست و پنجه نرم کردن با بیماری سرطان در سن ۴۳ سالگی درگذشت. مرگ لیلا محمد ضایعه بزرگی برای طبقه کارگر در عراق، برای جنبش حق زن و برای حزب کمونیست کارگری عراق و جنبش ما بود. لیلا محمد در خانواده ای انقلابی و چپ در سال ۱۹۶۷ در بغداد متولد شد. در سالهای پلانی دهه هشتاد به حزب شیوعی عراق (حزب کمونیست عراق) پیوست. بعد از آشنایی با کمونیسم کارگری منصور حکمت به همراه چند تن از رفقایش صف حزب شیوعی را ترک کردند و با برافراشتن پرچم سیاستهای انقلابی و کمونیستی، در سال ۱۹۹۱ "سازمان آزادی طبقه کارگر" را ایجاد کردند. این سازمان از جمله جریانات کمونیستی بود که در پروسه ایجاد حزب کمونیست کارگری عراق شرکت کرد و سرانجام در ژوئیه ۱۹۹۳ با ایجاد این حزب، لیلا محمد و

را در دست، به میان آنان رفت و آنها را حول مطالبات برحق و انسایشان متحد و متشکل کرد. در شرایطی که فضای ترور و عملیتهای انتحاری و کشتار جمعی بر کل عراق و خصوصا شهر بغداد سایه افکنده بود، اولین تظاهرات توده ای زنان و مردم محرم محلات بغداد با هدایت و نقش موثر لیلا محمد، در دفاع از حق حیات و برابری انسان، علیه جنگ و جنایتی که به چند میلیون انسان تحمیل شده بود، سازمان یافت. این تحرک انسانی که با لیلا محمدش هنوز در خاطره ها زنده است، انعکاس وسیعی در رسانه های عربی زبان و بین المللی داشت. به این ترتیب در مدت کوتاهی لیلا محمد کمونیست به سیمای محبوب و جسور مبارزات زنان و مردم محروم تبدیل شد. بیماری سرطان و مرگ ناپهنگام متأسفانه امکان ادامه نقش مبارزاتی موثر را از او گرفت. اما فعالیتهای اجتماعی و کمونیستی لیلا محمد درسهای فراوانی برای هر مبارز آزادیخواه و برابری طلب به جای گذاشته است. با مرگ لیلا محمد طبقه کارگر و جنبش حق زن در عراق یکی از فعالین اصلی خود و احزاب کمونیست کارگری عراق و حزب حکمتیست یکی از همسران گرانقدر خود را از دست داد. یاد لیلا محمد همیشه زنده است.

رفقای حزب کمونیست کارگری عراق! رفیق فارس محمود عزیز!

با کمال تأسف خبر درگذشت رفیق لیلا محمد کادر برجسته و شناخته شده حزب کمونیست کارگری عراق را دریافت کردیم. از دست دادن کمونیست پرشوری چون رفیق لیلا بیشک ضایعه ای بزرگ برای مدافعین آزادی و برابری در عراق و جنبش کمونیستی - کارگری است.

از طرف کمیته مرکزی حزب حکمتیست به شما، به رهبری حزب کمونیست کارگری عراق، به خانواده عزیز رفیق لیلا و به همه کادرها و اعضا و فعالین کمونیسم کارگری صمیمانه تسلیت میگویم

با ادامه راه رفیق لیلا یاد ارزشمند او را گرامی میداریم.

هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۴ ژوئیه ۲۰۱۰

جامعه معاصر در جریان است. اقتصادی و سیاسی بورژوازی دفاع میکنند.

نه فقط حیات سیاسی و اقتصادی جامعه، بلکه حتی زندگی فرهنگی و فکری و علمی انسان امروز که بظاهر قلمروهایی مستقل و ماوراء طبقاتی بنظر میرسند، مهر این صفتیستی محوری در جامعه مدرن سرمایه داری را بر خود دارند. اردوی پرولتاریا، اردوی کارگران، با همه تنوع افکار و ایده آلهای و گرایشها و احزابی که در آن وجود دارد، نماینده تغییر و یا تعدیل نظام موجود به نفع توده محروم و تحت ستم در جامعه است. اردوی بورژوازی، باز با کلیه مکاتب و احزاب سیاسی و متفکرین و شخصیت های رنگارنگش، خواهان حفظ ارکان وضع موجود است و در مقابل فشار آزادیخواهی و مساوات طلبی کارگری از نظام سرمایه داری و قدرت و امتیازات

از برنامه حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست را بخوانید و آن را بدست کارگران برسانید

ستم در ادوار و جوامع مختلف در جریان بوده است. این جدال طبقاتی است که منشاء اصلی تحول و تغییر در جامعه است.

برخلاف جوامع پیشین که عموماً بر سلسله مراتب طبقاتی و قشریندی های پیچیده ای بنا شده بودند، جامعه مدرن سرمایه داری تقسیم طبقاتی را بسیار ساده کرده است. جامعه معاصر، علیرغم تنوع وسیع مشاغل و تقسیم کار گسترده، بطور کلی بر محور دو اردوگاه طبقاتی اصلی که رودرروی یکدیگر قرار گرفته اند سازمان یافته است: کارگران و سرمایه داران، پرولتاریا و بورژوازی.

تقابل این دو اردوگاه در پایه ای ترین سطح سرمنشأ و مبنای کلیه کشمکش های اقتصادی، سیاسی و حقوقی و فکری و فرهنگی متنوعی است که در

مبارزه طبقاتی:

پرولتاریا و بورژوازی

کمونیسم کارگری اما فرقه مصلحین خیالپرداز و قهرمانان مشتاق نجات بشریت نیست. جامعه کمونیستی الگو و نسخه ای ساخته و پرداخته ذهن خردمندانی خیراندیش نیست. کمونیسم کارگری جنبشی است که از بطن خود جامعه سرمایه داری معاصر برمیخیزد و افق و آرمانها و اعتراض بخش عظیمی از همین جامعه را منعکس میکند.

تاریخ کلیه جوامع تاکنونی تاریخ مبارزه و کشمکش طبقاتی است. جدالی بی وقفه، گاه آشکار و گاه پنهان، میان طبقات استثمارگر و استثمار شونده، ستمگر و تحت

مرگ بر جمهوری اسلامی!

تشکل و اتحاد طبقه کارگر...

پراکندگی که دارد، در شرکت واحد و هفت تپه با تلاش فراوان و در دل جنگ و جدال با صاحبان سرمایه و جمهوری اسلامی دو تشکل کارگری را درست کردند. فعالین کارگری این مراکز امیدی را ایجاد کرده اند و دست تعدادی از کارگران را در دست هم گذاشته اند. وجود این دو تشکل الگویی برای مراکز کارگری دیگر است. بالاخره این تشکلات جمعی را زیر چتر خودش جمع کرده اند، بالاخره امکانی را ایجاد کرده اند که یک جمع دست در دست هم بگذارند، با هم مشورت کنند و تصمیم بگیرند. هدف رژیم این است که فضای سیاسی را آنقدر عقب ببرد که اهداف و برنامه های اقتصادی و سیاسی اش در این جامعه با مانعی روبرو نشود. گفتم در سه سال گذشته مرکز تعرض، چپ جامعه، آزادی خواهی طبقه کارگر، کمونیرم طبقه کارگر بوده و امروز این آخرین سنگرهای طبقه کارگر است که دارد مورد حمله قرار می گیرد. وجود این تشکلهای برای رژیم قابل تحمل نیست. این حمله به کل طبقه کارگر است که در راس آن سندیکی شرکت واحد و هفت تپه قرار دارند. ولی ابعاد و تأثیرات آن عقب راندن و عقب گرد به کل جامعه است و حساسیت مسئله در اینجا است.

را ایجاد کرده و دست تعدادی کارگر را در دست هم گذاشته است. این همه تلاش و پرونده سازی برای همین است. این جرم اسالو است و تنها شامل او نیست، نسبت به رضا رخشان و علی نجاتی همین کار را کردند، نسبت به ابراهیم مددی و رضا شهلی و سعید تریانین، همین کار را کردند.

رادیو پرتو: در مورد فراخوانی که در این اطلاعیه هست می خواستم سوال مطرح کنم که جواب دادید، اما اقدامات دیگری که خود حزب حکمتیست در دستور قرار خواهد داد چه چیزی خواهد بود؟

خالد حاج محمدی: طبقه ما مورد حمله قرار گرفته، قلب این طبقه که تحزب و تشکل آن و اتحاد کارگری آن است مورد حمله است. آنچه باعث شده سیاستهای رژیم پیش برود و اجازه داده است تعرض رژیم به معیشت و دستمزد طبقه کارگر پیش برود، باعث شده دستمزد کارگر برای سود بیشتر سرمایه دار پایین نگه داشته شود، پراکندگی و انشقاق در صفوف این طبقه است. کارگر افغانی، کارگر بیکار، کارگر شاغل، کارگر زن و دامن زدن به مسابقه در میان طبقه ما با انواع قراردادهای مختلف، قوانین مختلف، دستمزد و ساعات کار و شیفت های مختلف امروز بیداد میکند. انشقاق در صفوف طبقه کارگر درد جدی ما است. لذا هر تشکلی که ساخته شده است قدمی در راه اتحاد کارگران و کم کردن انشقاق است. در نتیجه کل طبقه ما، کل آن چیزی که حزب حکمتیست امر خود می داند و جزو وجود خودش می داند مورد تعرض است. طبیعی است ما به عنوان کمونیستهای طبقه کارگر، این تعرض را تعرضی که مستقیماً رو به ما و به هستی ما به هويت ما و به طبقه ما بدارند. دفاع از طبقه کارگر، از اتحاد و تشکل آن برای ما هویتی است. و تا جایی که به ما برمیگردد تمام تلاشمان را خواهیم کرد، متأسفانه هم طبقه ما و هم ما و احزاب این طبقه امکانات محدودی از میدیا تا ارتباطات و .. داریم. تلاش کرده اند ارتباط با ما را بشدت امنیتی و

این مصاحبه توسط رفیق محمد فتوحی

سرا پیاده شده است

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سرمدییر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

**برنامه های رادیو پرتو را گوش کنید**

www.radiopartow.com

جمعه: هشتم مرداد برابر با ۳۰ ژوئیه

- **تهدیدات جنگی و کشمکشهای سیاسی در ایران:** گفتگو با فتح شیخ
- **سرکوب و ارتجاع علیه دانشگاهها:** گفتگو با بهرام مدرسی
- **طبقه کارگر در منگنه بیکاری و اشتغال:** گفتگو با اسد گلچینی
- **مبارزه علیه ستمکشی زن - با کدام پرچم؟:** گفتگو با اعظم کم گویان

برنامه آموزشی: بازخوانی کتاب کاپیتال، نوشته کارل مارکس. سخنرانی منصور حکمت در انجمن مارکس - قسمت نهم

رادیو پرتو صدای اعتراض رادیکال طبقه کارگر است. رادیو پرتو را گوش کنید و به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید

زنده باد سوسیالیسم